

نظر روز

سعید زاهدیان
روزنامه‌نگار ورزشی

دور زدن قانون را مهندسان بهتر بلدند

سقف قرارداد چیزی شبیه سرپرست غیرقانونی!

این فوتبال نتیجه همین مدیریت و همین تصمیمات خلق الساعه فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ است؛ حیدر بهاروند - که با دور زدن قانون همچنان روی صندلی اش نشسته - و اگر عزیز ی خادم برکنار نمی شد، باید ۴ سال دیگر با او سر می کردیم، بحثی پیرامون سقف قرارداد راه انداخته که سال ها قبل به شکست انجامید.

فوتبال در تمام دنیا با قوانین مشخصی اداره می شود؛ ۱۱ بازیکن به زمین می روند و حتماً باید یکی از آنها «دروازه بان» باشد. سایر قواعد، قوانین و مقررات فوتبال هم نمی تواند از استاندارد جهانی فاصله بگیرد. در لالیگا ملاک تعیین قهرمان، بازی رودرو است و در لیگ قهریزه تفاضل گل اما در هر دو لیگ فیریلی مالی اجرا می شود. فیریلی مالی که برای مدیریت هزینه ها از سوی یوفا وضع شد، قوانین روشنی دارد؛ این قانون اجازه می دهد باشگاه ها ۲۰ درصد بیشتر از درآمد خود خرج کنند اما در بازه زمانی سه ساله، باید درآمد و هزینه آنها همخوانی داشته باشد و باشگاه ها بدهکار نباشند.

سازمان لیگ ایران «فیریلی مالی» را رها کرده و سراغ سقف قرارداد رفته؛ دلیل این تصمیم چندان پیچیده نیست. مدیریت سقف قرارداد با روحیه «مدیران تنبل» سازگارتر است. به جای بررسی صورت های مالی و مورا از ماست کشیدن، هر قراردادی که بالاتر از سقف باشد، ثبت نمی شود. باشگاه ها هم در تقابل با مدیران تنبل که ضریب هوشی بالایی ندارند، سراغ دور زدن قانون می روند. از اهدای خودروری خارجی لوکس و حواله آهن تاهزار و یک کار دیگر که سقف قرارداد را دور می زند. فرار از قانون مدیرانی که تنها دغدغه شان نشستن روی صندلی است و برای مدیریت قراردادها سراغ قانون شکست خورده ۱۰ سال قبل می روند، توسط مدیران صنعتی که مهندسی را خوب بلدند. آسان تر از فشار دادن کلید روشن و خاموش خط تولید خودرورواهن است که یک کارگر ساده در سازمان آنها هر روز انجام می دهد!

لطفا بی خیال قرارداد شوید!

آیسان سعیدی
روزنامه‌نگار ورزشی

سقف قرارداد. این مناقشه جدید فوتبال ایران است. یک قانون خلق الساعه و من درآوردی که واکنشی آبی به ارقام افسارگسیخته و نجومی ستاره های فوتبال ایران بود. آنها که در بازار مکاره و داغ نقل و انتقالات با رقم های حیرت انگیز و اعجاب آور

جابه جا می شوند و با لیختندی ملیح روی صورت رویه روی دوربین ها ژست می گیرند. ارقامی که شاید تنها ۴ درصد جامعه بتواند آن را درک کند و برای ۹۶ درصد بقیه جامعه حتی شمارش آن ممکن نیست!

بباید ماجرا را از یک زاویه دیگر ببینیم. از زاویه خارجی هایی که قرار است در این فصل در لیگ ایران زندگی کنند. مردانی که از آنسوی

آبها و کشورهای صاحب سبک به ایران می آیند و حاضر می شوند در این فوتبال لجام گیسخته، بی برنامه، بدون امکانات و غیرحرفه ای کار کنند. آنها که متعلق به یک مکتب به روز و علمی هستند و در سالیان سال در یک محیط مدرن و حرفه ای با

بهترین ستاره ها کار کرده اند و کنار مربیان ممتازی قرار گرفته اند اما حالا چند هزار کیلومتر آترف تر از خاستگاه خود در سرزمینی مشغول شده اند که هیچ شباهتی به روزهای گذشته ندارند. آیا می توان گفت که با قانون من درآوردی و یک شبه سقف قرارداد نمی توانی از یک رقم مشخص معادل ۲۲۰ هزار دلار بیشتر بگیریدی! یعنی بازیکن و مربی خارجی

که قطعاً با رقمی ۲ یا ۳ یا حتی ۴ برابر این مبلغ با باشگاه متبوع خود توافق کرده، ناگهان به دلیل قانون سقف قرارداد به همه توافق های ثبت شده روی کاغذ پشت پا زده و تنها ۲۷۰ هزار دلار دریافت کند!

قانون سقف قرارداد به همین اندازه غیرواقعی و مضحک است. قانون بدی که حتی بد هم نیست و هیچ ضمانت اجرایی ندارد.

سقف قرارداد؛ شوخی نخ نما

فوتبال ایران بیشتر به یک جزیره شباهت دارد که ورودی و خروجی اش محدود است و همین گاهی می تواند قیمت ها را از یک نظام منطقی خارج کند. نیاز بیش از اندازه برای یک پست و کمبود گزینه استاندارد به بازیکن و مدیر برنامه اش فرصت می دهد که قیمتی غیرمنطقی طلب کنند. ورود بازیکنان خارجی به فوتبال ایران دردسرهای خودش را دارد و جبران این کمبود از طریق گزینه های خارجی چندان راحت نیست. معضل دیگر فوتبال ایران به طبیعت باشگاه ها برمی گردد که عموماً دولتی هستند و منابع درآمدشان روشن نیست. ولخرجی بیش از اندازه می تواند پس لرزه هایی داشته باشد و مطرح شدن دوباره بحث

انتقالات هواداران را روی شانه های تان احساس کنید، مجبورید بازیکن مورد نیاز مری را به هر قیمتی جذب کنید. برای آنها سقف قرارداد یک شوخی است و اگر هم چنین قانونی در نظر گرفته شود، تلاش می کنند راهی برای دور زدنش پیدا کنند.

قیمت های بازیکنان بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می شود. در فوتبال اروپا که یک بازار گسترده است و مهمتر از آن باشگاه ها درآمد های مشخصی دارند، قیمت ها منطقی تر است. با این حال یوفا برای کنترل این بازار قانون «بازی جوانمردانه مالی» را تعیین کرده و حتی در این شرایط هم برخی باشگاه ها ورشکسته می شوند.

ایرانی شاغل در لیگ کدام است؟ پاسخ به این سؤال بستگی به این دارد که چه جایگاهی داشته باشید. بازیکنان سابق معمولاً معتقدند که این ارقام برای بازیکنان فعلی خیلی زیاد است و باید خیلی کمتر از این دریافت کنند. ملاک محاسبه آنها دستمزدی است که خودشان ده یا بیست سال قبل می گرفتند (علی دایی که از دریافتی بازیکنان دفاع کرده و نمی توان قانونی را فقط برای نیمی از لیگ اجرا کرد. و احساسی از این جهت که این طرح چند سال قبل شکست خورده بود و اجرای دوباره اش نتیجه متفاوتی نخواهد داشت.

آرمن ساروخانیان
روزنامه‌نگار ورزشی

در میانه راه نقل و انتقالات تابستانی بود که یک بار دیگر بحث سقف قرارداد مطرح شد؛ واکنشی دیر هنگام و احساسی به ارقام درشتی که برای جابه جایی بازیکنان لیگ برتر مطرح می شود. دیر هنگام از این بابت که نیمی از تیم ها کارشان را شروع کرده بودند و نمی توان قانونی را فقط برای نیمی از لیگ اجرا کرد. و احساسی از این جهت که این طرح چند سال قبل شکست خورده بود و اجرای دوباره اش نتیجه متفاوتی نخواهد داشت.

سؤال کلیدی در بحث سقف قرارداد این است که قیمت واقعی بازیکنان

سقف قراردادی که کف زمین است!

برتری به سازمان لیگ نامه زده اند که موافق رعایت سقف قرارداد بازیکنان شان هستند! باشگاه هایی که خیلی های شان را امضا کرده اند و حتی پیش پرداخت ها را هم داده اند. فکر می کنم این تمهیدات لازم که چند روز پیش حیدر بهاروند سرپرست غیرقانونی سازمان لیگ از آن نام برده بود به امسال قد نمی دهد و برای سال آینده هم که معلوم نیست چه اتفاقی خواهد افتاد. آقایان! سقف قراردادی که شما از آن نام می برید، کف زمین است!

سازمانی و اداری توی کیف می ریختند تا آقای بازیکن زل بزند توی دوربین ها و بگوید: «به خاطر عشق بچی هام و به خاطر میلیون ها هوادار کوتاه آمدم و کم قرارداد بستم.» نه؛ ما یادمان نمی رود. ضمن عذرخواهی؛ بریزید دور این مسخره بازی ها را. خودمان را که نمی خواهیم گول بزнім. قسم و آیه هم ندارد. بازیکن هرقدر که بخواهد، به او پول می دهید و بیشتر نگرانی تان این است که باشگاه های رقیب هزار تومان بیشتر بدهند و بازیکن مورد نظرتان را غر بزنند. حالا ۱۴ تا باشگاه از ۱۶ باشگاه لیگ

صلح شیرین با پول مفت

یونس علیزاده
روزنامه‌نگار ورزشی

همه چیز فوتبال، جنگ است. همه چیز؛ حتی عقد قرارداد با بازیکنان جدید. آنها که نه، اما مدیر برنامه ها وارد باشگاه ها می شوند و به دنبال دعوا می روند تا هر طور شده، رقم قرارداد را بالا ببرند. این کار، چند حسن اساسی دارد. هر خستی که فکرش را کنید، برای دلالت ها و بازیکنان است اما باشگاه ها چیزی جز ضرر ندارند. آنها هستند که باید با فشار هواداران در فضای مجازی یا تجمیع

مقابل دفتر باشگاه، انتخاب های اشتباه با رقم های سنگین داشته باشند. صلح با بازیکنانی که پیشنهادات مالی سنگین می آورند و به دنبال شیرین ترین قرارداد ممکن هستند. اکثر باشگاه های ما از خون دولت می مکنند؛ از بیت المال که باید خرج راهسازی، امنیت، سلامت، مسکن، ازدواج، ورزش همگانی، کاهش ترافیک و بالا رفتن رفاه اجتماعی شود، هزینه جذب بازیکنان بی کیفیت در لیگ بی کیفیت ایران می شود. این صلح بیجا، فوتبال ایران را نابود کرده و هر سال بیشتر پسرقت می کنیم. پول مفت

در فوتبال ایران جابه جا می شود و باز هم حال هیچ کس خوب نیست؛ حالا این وسط، یک لطیفه هم وجود دارد به نام «سقف قرارداد» که نباید زیاد جدی گرفت. کدام سقف قرارداد؟ بازیکنی که با رقمی کمتر از ۱۵ میلیارد تومان، حتی حاضر نمی شود برای مذاکره به دفتر باشگاهی برود، چطور ممکن است با لطیفه ای به نام سقف قرارداد کنار بیاید؟ سال هاست که مسئولان و متولیان فوتبال کشورمان این لطیفه را می گویند و احتمالاً خودشان هم می خندند؛ آدم های هنرمند این فوتبال!

مازیار قیروزی
روزنامه‌نگار ورزشی

سقف قرارداد؛ حتی همین حالا که دارم این مطلب را می نویسم لیختن ملیحی روی لبانم نشست! بعید است، شدنی نیست. هنوز یادمان نرفته که از زیر میز مغازه ۵۰-۴۰ متری وارد می کردند و به جای قرارداد می دادند به آقای بازیکن! هنوز یادمان نرفته که سند فلان خودروری لوکس را می دادند به آقای بازیکن برای اینکه به تیم رقیب نرو. هنوز یادمان نرفته تراول هایی که خارج از چارت

احسان پهلوان
Ehsan Pahlavan

1

■ سن: ۲۸ ساله
■ پست: وینگر چپ
■ تیم قبلی: پرسپولیس
■ تیم فعلی: فولاد

محمد دانشگر
Mohammad Daneshgar

2

■ سن: ۲۸ ساله
■ پست: دفاع وسط
■ تیم قبلی: استقلال
■ تیم فعلی: سپاهان

سعید صادقی
Saeed Sadeghi

3

■ سن: ۲۸ ساله
■ پست: وینگر
■ تیم قبلی: گل گهر
■ تیم فعلی: پرسپولیس

محمد خدا بنده لو
Mohammad KhodaBandeLou

4

■ سن: ۳۳ ساله
■ پست: هافبک دفاعی
■ تیم قبلی: ذوب آهن
■ تیم فعلی: گل گهر

یادداشت روز

سام ستارزاده
روزنامه‌نگار ورزشی

بازیکن، کالا نیست!

قانون منع جذب بازیکنان و مربیان خارجی را به یاد داریم که پیش از نقل و انتقالات لیگ بیستم، به شکلی مبتدیانه و با شعار «حمایت از کالای تولید داخلی» ابلاغ شد؛ پیش از تصویب در هیأت رئیسه فدراسیون و با اعلام غیررسمی هوشنگ نصیرزاده و صادق درودگر در تلویزیون و رسانه های مجازی. حال، دژاویی تصمیمات کارشناسی نشده سازمان لیگ با برچسب «سقف قرارداد» تکرار شده در حالی که تصویب این قانون به تأیید دست کم ۱۲ باشگاه لیگ برتری نیاز دارد.

بی شک دستمزدها ی چندده میلیاردمیلهاردی به باشگاه های متمول لیگ نیز فشار کمرشکنی وارد خواهند ساخت؛ اما کسی قرار نیست دریابد که چنین افزایش نجومی معلول عدم مقابله جدی با دلالت ها و عدم افشای نام آنها در رسانه ها و بسته نگه داشتن بازار بازیکنان لیگ است. در فصل گذشته، خارجی های باکیفیتی نظیر پاتوسی، منشا، فریرا، یامگا، گولسیانی، فائز الرشیدی و کیروش استنلی با حقوقی معادل زیر ۱۱ میلیارد تومان در سال نقشی کلیدی در تیم هایشان ایفا کردند؛ اما سازمان لیگ همچنان مصر به محدود و مشروط نگاه داشتن حضور چنین خارجی هایی در فوتبال ایران است.

ایراد بزرگ قانون سقف قراردادها نیز جایی است که فوتبال بیست را کالا می پندارد و برای متعادل ساختن قیمت آن، الگویی به کار می برد که روی کالاها نیز دستمزد یک فوتبال بیست ممکن است برحسب سن، عملکرد و آمار ملی و باشگاهی، طی یک فصل چند برابر شود. اگر بازار بازیکنان ایرانی و خارجی از هم ایزوله نباشند، نیازی به تصویب سقف های نا عادلانه نیست. به جای قانون سقف قرارداد، بهتر است قراردادهای یک ساله، دو ساله توافقی و مشروط و دو ساله با بندهای فسخ نازل را ممنوع کنید. خواهید دید چنین قوانینی چه ثباتی در دستمزدهای بازیکنان ایجاد خواهند کرد.